

بررسی سبک بیرونی قابوس نامه (باب چهاردهم) بر پایه سبک شناسی شکل گرایانه

فاطمه سقائی^۱

سیاوش مرشدی^۲

مصطفی کلبادی نژاد^۳

چکیده

قابوس نامه اثر عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر زیاری، از نمونه های برجسته ادبیات تعلیمی قرن پنجم هجری و یکی از نخستین اندرزنامه ها به زبان فارسی و از شاخص ترین آن هاست که ویژگی های سبک خراسانی، نظیر سادگی، روانی و را نمایان می سازد. سبک بیرونی این اثر با رویکرد شکل گرایانه بررسی شده است و با توجه به طبقه بندی سبک در سه سطح زبانی، ادبی و فکری، توجه تحقیق بر سطح زبانی اثر است که شامل ویژگی هایی نظیر انتخاب واژگان، نحو جملات و ساختارهای دستوری است. نتایج نشان می دهد که سبک زبانی اثر، با ساختاری ساده و هماهنگ با محتوای تعلیمی، نقشی کلیدی در انتقال پیام دارد و قابوس نامه را به نمونه ای برجسته از تحول زبان فارسی تبدیل کرده است و از آنجایی که بسیاری از خصوصیات زبانی با مرور زمان تغییر یافته یا ضعیف شده و احیاناً از بین رفته اند، در این پژوهش از نگاه امروزی، آن خصوصیات زبانی که جنبه ی تاریخی داشته اند، در باب چهاردهم قابوس نامه بررسی شده است.

کلیدواژه ها: قابوس نامه، سبک زبانی، شکل شناسی، سبک بیرونی

۱- دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی واحد بندر گز، دانشگاه آزاد اسلامی، بندر گز، ایران (نویسنده مسئول).

Azinsaghaei@gmail.com

۲- استادیار رشته زبان و ادبیات فارسی واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

drsiavashmorshedi1983@gmail.com

۳- دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی واحد بندر گز، دانشگاه آزاد اسلامی، بندر گز، ایران.

m.kolbadi.com@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۳/۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۶/۱۰

نگاهی به سبک و سبک‌شناسی

سبک در واقع یک واژه عربی از ریشه سَبَكَ به معنی در قالب انداختن و ذوب کردن است، واژه سبک را می‌توان ریختن و قالب‌گیری زر و نقره و ریختن معنا کرد. جاحظ این واژه را در مترادف با طرز، اسلوب، روش، سیاق و نمط دانسته است. در معنی عام سبک می‌توان گفت که سبک شیوهی خاص انجام کاری است. برای مثال مردم صحبت کردن را به شیوه‌های متفاوتی انجام می‌دهند. تند صحبت کردن در قیاس با آرام حرف زدن یک سبک متفاوت است. سخن گفتن یک رفتار زبانی است که بنا به موقعیت اجتماعی، سن و جنسیت افراد به گونه‌های مختلف انجام می‌شود. «واژه سبک در اصطلاح ادبی روش خاصی از بیان افکار و ادراک به واسطه ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر آنهاست. نکته اصلی در بیان ویژگی‌های سبک‌شناسی هر اثر این است که آن ویژگی از بسامد و تکرار برخوردار باشد. در سبک‌شناسی آثار تاکید بر این است که «علیکم بالمتون لا بالحواشی»، یعنی تمام تفاسیر و قضاوت‌ها باید بر پایه‌ی خوانش دقیق و عین متن باشد بنابراین با مطالعه زبان شناسی هر اثر می‌توانیم به غنای ذاتی زبان بپردازیم». (فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۳) در سده‌های ۵۰۰ تا ۷۰۰ قبل از میلاد مسیح، با کاسته شدن از قدرت حاکمان و نفوذ و سلطه نجیب زاده‌ها، تغییرات زیادی در شکل زندگی اجتماعی مردم یونان پدید آمد. دولت-شهرها شکل گرفتند و روستاها به صورت یکپارچه در-آمدند. در این دوران وضعیت جامعه با تمرکز قدرت سازگاری نداشت و توجهات بیشتر بر ادراک نفس و آزادی فردی صورت می‌گرفت. در این حالت، بیان احساسات و عواطف مورد توجه قرار-گرفت و بیان اموری که در زمان حال رخ می‌دهد، بیشتر شد. در این دوره آثار غنایی متداول شد تا به بیان عواطف و احساسات بپردازد. (رضایی، ۱۳۷۳: ۶۸) در پژوهش پیش‌رو سعی داریم آن باب از قابوس نامه را که محتوای غنایی دارد از نظر سبک‌شناسی زبانی بررسی کنیم.

سیمای عنصر المعالی

یکی از مهم‌ترین دوره‌های ادبی در ایران با اینکه ابتدای پیشرفت ادب فارسی به حساب می‌آید، قرن چهارم و پنجم است. شاعران و نویسندگان برجسته‌ای در آن به چشم می‌خورند که دارای اهمیتی خاص و شهرتی به‌سزا هستند. به این دلیل که «درباریان آن زمان، توجهی شایسته به ادبیات و نویسندگی داشتند و احترامی خاص برای این افراد قائل بودند». (صفا، ۱۳۷۸: ۳۰۰) در این میان یکی از فرهیختگان خاندان زیار، عنصر المعالی کیکاووس بن اسکندر نبیره قابوس است که از امیران و

بررسی سبک بیرونی قابوس‌نامه... ۲۸۵۱۱۱

دانیان قرن پنجم بود و نویسنده کتاب ارزشمند قابوس‌نامه است. از زندگی او تا زمانی که به حکومت رسیده اطلاعاتی در دست نیست اما همین بس که با وجود گذشت ۱۱ قرن از گسترش زبان و ادبیات پارسی، هرگز سابقه نداشته که پادشاه یا امیری چنین اثر ارزشمندی را خلق کند. (رجبلو، ۱۳۹۱: ۶)

خاندان زیار توسط مرداویج بن زیار به قدرت رسیدند. مرداویج از سرداران سپاه اسفاربن شیرویه بود که به علت شجاعت و کاردانی‌اش، بر طبرستان حکمرانی می‌کرد. (فروزانفر، ۱۳۸۳: ۸۷) آل زیار در ایالات همسایه دریای خزر، دارای قدرت بودند. (صالح، ۱۳۳۵: ۵۳۴) از ویژگی‌ها آل زیار همین بس که آن‌ها مردمانی دلیر و وطن‌دوست بودند و بر آداب و رسوم ملی خود تعصب خاصی داشتند. آن‌ها برای علما و شعرا اعتبار به خصوصی قائل بودند زیرا بیشتر افراد آل زیار مردمی دوست‌دار دانش و ادیب‌پرور و فاضل بودند، قابوس بن وشمگیر نیز که از دانشمندان و نویسندگان و شاعران بزرگ این طایفه بود و اثری ارجمند از وی به جای مانده، حاکی از صحت گفته ماست. (صفا، ۱۳۷۸: ۲۰۸)

کیکاووس قابوس‌نامه را در ۴۴ باب از حکمت علمی و تدبیر منزل و شیوه عاشقی و... گردآوری کرده‌است. این کتاب برای حاکم بعد از خود یعنی گیلان‌شاه که در مازندران حکمرانی می‌کرد و پسرش بود، تدوین شد و در آداب اصول اخلاقی و آداب زندگی اجتماعی و زندگی فردی در آن با تفصیل مطالبی آمده‌است. هدف او از نوشتن این کتاب، آشنایی پسرش با طرز زندگی شاهانه بود، به همین سبب طریقه زندگی وزراء، سالاران و جوانمردان نیز در آن ذکر شده است. شیوه نثر آن بسیار فصیح و روان است و جمله‌ها در نهایت پیوستگی در کنار هم قرار دارند. (فروزانفر، ۱۳۸۳: ۳۳۲) او نام اثر خود را به افتخار جدش قابوس، قابوس‌نامه، نام گذاری کرد. سیمای کیکاووس با وجود پختگی و کامل بودن، سخنوری و جامعه‌شناسی آگاه، قاضی دادگر و طیبی حاذق و عاشق پیشه و... (رجبلو، ۱۳۹۱: ۶) با حکایت‌هایی به زبان فارسی که در آن نام شخصیت‌های افسانه‌ای مثل جمشید و لقمان و هوشنگ و غالباً انوشیروان عادل برای بیان نصیحت‌های نویسنده، آورده شده‌اند، رنگین‌تر شده است. (لوی، ۱۳۷۸: ۴۴) کیکاووس با واقعیت‌های زندگی دوران خود بسیار خوب آشنا بود و در این اثر گرایش‌ها و نظرات گوناگون خود را به شکل‌های مختلف بیان نموده است. این نوشته روابط اجتماعی آن دوران را به شیوه‌ای راستین به تصویر می‌کشد و بیان‌کننده آن است که هنر داستان‌سرایی به چه طریقی رواج داشته است. (ریپکا، ۱۳۷۰: ۳۳۶) کیکاووس اسیر جمله‌ها و کلمات نیست، او خود را رها می‌کند و با ساده‌ترین شیوه به بیان حکایات خود می‌پردازد. (معتضد کیانی، ۱۴۰۰: ۸۳) از حکایات

قابوسنامه، بعضی تاریخی و برخی مبتنی بر دیدار و خاطره شخصی است که در هر حال، با لحنی موقر بیان می‌شود. دوری از صنعت‌گرایی و دوری از هنرنمایی‌های خسته‌کننده به کلام این نویسنده جاذبه و لطف بیشتری بخشیده است. (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۱۲۰) امتیاز و ویژگی قابوس‌نامه فقط به محتوای تعلیمی و پندگونه آن مربوط نیست، استفاده از امثال رایج فارسی، تمثیل‌ها و داستان‌ها به زبان ساده، به غنای ادبی این اثر بیش از پیش افزوده است. (الهامی، ۱۳۹۱: ۱۳۲)

نگاهی اجمالی به کتاب

ادبیات در هر شکل و قالبی، آینه تمام‌نمای معیارهای ارزشی و ویژگی‌هایی است که زندگی فردی و جمعی را نشان می‌دهد. در ادبیات، معنی بی‌اهمیت نیست اما اهمیت اصلی در شیوه بیان است! (غیاثی، ۱۳۶۸: ۲۰) بر همین اساس انواع گوناگونی از ادبیات در یک تقسیم‌بندی قرار گرفته‌اند و از نظر قدمای غرب به نوع نمایشی، حماسی و غنایی تقسیم می‌شوند. (شمیسا، ۱۳۷۶: ۲۴) در این بین ادبیات تعلیمی نیز سبکه‌ای تاریخی دارد و چون به تعلیم و تربیت اهتمام تام دارد، در میان دیگر انواع ادبی جایگاه خاصی یافته است. نویسنده اثر، شعر در قابوس‌نامه را پادشاه و نثر را رعیت به شمار آورده و با ترکیب شعر و نثر، سلطنتی ادبی برای خود در قلمرو نثر فارسی ایجاد کرده است. (جلالت، ۱۴۰۲: ۱۷۱) او به زبان طبری و پارسی دری شعر می‌گفته و بیشتر توانایی‌اش در ساختن رباعی بود. (فروزانفر، ۱۳۸۳: ۳۳۲)، در اینجا منظور از دری، یکی از لهجه‌هایی است که در دوره اسلامی نیز باقی مانده است، که با تغییر و تحولاتی با زبان عربی آمیزش یافت. علت نام‌گذاری دری یا پارسی دری به این نام، به این خاطر بوده است که زبان دستگاه‌های دولتی و دربار پادشاهی را دری یعنی منسوب به دربار می‌خواندند. که بعضی بر این باورند که در زمان پادشاهی جمشید یا بهرام، وضع این زبان صورت گرفته است. (همان: ۱۷۷) سبک این دوره، سبک خراسانی است که روانی و طبیعی بودن، استعمال واژه‌های کهنه و نزدیک به شکل پهلوی و کهنگی زبان از مختصات زبانی این سبک به شمار می‌روند از دوره سامانیان کوتاهی و سادگی و همچنین نبود تصنع و استعارات در نثرها نیز به چشم می‌آید که در آن زمان از هر نظر بر سبک‌های زبان عربی برتری داشت و طرفداران خاص خود را داشت. (ریپکا، ۱۳۷۰: ۷۷) اگر زبان فارسی را با ادوار ادبی بعد از قرن چهارم بسنجیم، استعمال لغات اصیل پارسی را نسبت به لغات عربی، بیشتر خواهیم دید. و آن هم به این خاطر است که شاعران و نویسندگان این دوره، کمتر تحت نفوذ قوانین دستوری زبان عربی بودند و قواعد زبان پارسی و لهجه

بررسی سبک بیرونی قابوس نامه... ۲۸۷۱۱۱

عمومی را بیشتر رعایت می کردند. (فروزانفر، ۱۳۸۳: ۳۰۲) منظور از نثر نیز در اینجا سخنی است که در قید وزن و آهنگ قراردادی معمول در شعر محدود نباشد. در آنچه نثر تعلیمی خوانده می شود، نویسنده در حکم معلم است و اگر کلام نویسنده در حد اعتدال از چاشنی ذوق و تخیل بهره برده باشد، تاثیر بیشتری در اذهان دارد. (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۳۰) در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم که شاهد ظهور رو به پیشرفت نثر پارسی هستیم، تعدد آثار نویسندگان در موضوعات مختلف، حتی با وجود از بین رفتن کتاب های بسیاری در دوره حمله مغولان به ایران، حاکی از آن است که یکی از مهم ترین دوره های کمال و توسعه نثر پارسی، به حق همین دوره بوده است چرا که علاوه بر تعدد آثار نویسندگان، شاهد تکامل سبک و روش نثر نویسی نیز هستیم. (صفا، ۱۳۸۳: ۱۱۴۷) سبک نثر نویسی این دوره بسیار هدفمند و رساست و به هماهنگی کردن و در اصطلاح سجع دادن عبارات، کمتر می پردازد. تکرار واژه ها علاوه بر این که عیب به شمار نمی رود بلکه باعث زیبایی کلام نیز می شود. جمله ها دقیق و کوتاه هستند و طوری بیان شده اند که مطابق فهم همه باشند. (کامشاد، ۱۳۸۴: ۲۰) مهم ترین علت تغییر زبان، تحولات اجتماعی است ولی نباید نقش اصلی کم کوشی را بی اهمیت شماریم. بر این اساس، اگر به نقش ارتباطی زبان لطمه ای وارد نشود، همیشه به سمت سادگی در حرکت است. (فتوحی، ۱۳۹۰: ۱۵) نثر این دوره به دلیل روشنی و عینیت گرا بودن به زبان تحصیل کردگان و فرهیختگان روزگار ما بسیار نزدیک است و رویکرد نویسندگی بر آن است که به درک و دریافت خواننده کمک شایانی کند به همین خاطر نویسندگان واژه ها و عباراتی را به کار می بستند که برای مخاطب روزگارشان آشنا باشد. (کامشاد، ۱۳۸۴: ۲۸) از علل توجه شایان به این اثر، اشتغال بر معانی گوناگون و شیوایی طرز نوشتن آن بوده است. (یوسفی، ۱۳۴۶: ۱۰۹) این کتاب، هم سبک با سیاستنامه است و به همین علت خالی از سجع و جمله های مترادف است. در این اثر، هم تا حدودی مختصات نثر مرسل کهن دیده می شود و هم بعضی مختصات نثر فنی آینده. هر چند سبک نویسندگی او مرسل است اما ویژگی سبکی نویسندگان سبک بینابین همین گونه است. (شمیسا، ۱۳۸۷: ۵۴) دکتر شفیع کدکنی این کتاب را در ردیف سه کتاب بزرگ ادبیات نثر فارسی نام برده است. این کتاب اولین بار در قرن ۱۶ میلادی به ترکی و پس از آن در قرن ۱۹ میلادی به زبان آلمانی و بعد نیز به انگلیسی، عربی، روسی و ژاپنی ترجمه شده است. (جانفشان، ۱۴۰۰: ۶۷) او در پایان این کتاب نوشته است که در تمام طول زندگی اش، اندرزهایی را که در آن نوشته، خود به کار بسته است (کشاورز، ۱۳۷۱: ۱۰۴).

بررسی سبک شناسی زبانی قابوس نامه باب چهاردهم

قابوس نامه باب ۱۴ صفحه ۶۷ از کتاب دکتر امین عبدالمجید بدوی نشر ابن سینا سال ۱۳۳۵:

فعل های قابوس نامه:

ماضی مطلق (ساده): بدم (بدوی، ۱۳۳۵: ۶۸) - پسند اوفتاد (همان: ۶۸) - گشت - دیدی - گفتی - شنیدی - رفت - برد (همان: ۶۹) نه بود (همان: ۷۰) - آوردند - بگفت - گفت - بفرستاد - بخريد - آوردند - بدید - پسندید - داد - بشستی - دادی - کردی - برآمد - باز داد - بگذشت - آزاد کردم - بخشیدم - بنشیند - نیاورد - باشم - (همان: ۷۱) کند - شنودم - بودند - گفتندی - داشت - برآمد - نتوانست دانست - دارد - ندانست - دادی - پنداشتی - فرمود - (همان: ۷۲) بگفتم - اوفتد - نبود - ارزد - گفتند - هستی - (همان: ۷۳) نگفت - (همان: ۷۴)

ماضی نقلی: رفته است - (همان: ۶۹) گفته است - (همان: ۷۰) کرده بود - (همان: ۷۱) فرموده بود - بوده است - (همان: ۷۲) گفته ام -

ماضی بعید: در گذشته بود -

ماضی استمراری: می باید بود - (همان: ۶۹) همی کرد - همی نگرست - می مالید - می نگرید - همی آمد - (همان: ۷۱)

مضارع التزامی: نشود - حاصل نشود - بماندم - (همان: ۶۸) نگاه داری - (همان: ۶۹) بتوانی رهانیدن - (همان: ۷۰) بگوید - بدادی - بدانستند - (همان: ۷۲)

مضارع ساده: نبود - خیزد - بود - شوند - (همان: ۶۷) است - افتد - نشوی - هستی - ورزد - باشد - آمد - دارم - آمد - گردد - باشی - دارد - ندانی - نتواند کردن - (همان: ۶۸) ممکن نگردد - شود - بیند - پسندد - کنی - گردانی - بینی - گردد - کنی - گردانی - بینی - خواهی - توانی - کند - نبرد - بر بندی - (همان: ۶۹) یاد نیاید - باید - گوید - ماند - داری - ورزی - دارد - نشوی - نباشد - (همان: ۷۰) اندیشه نکنی - نه بندی - دارد - بخرد - (همان: ۷۱) بیرون آید - کند - نباید - نیابد - نبیسنند - (همان: ۷۲) دانم - نکنی - مکن - نباشد - دارد - دانم - دارند - هست - مبر - بری - مباش - مدار - مپندار - در آید - گوید - (همان: ۷۳) نمایی - نماید - مده - مخوان - مگوی - دانند - (همان: ۷۴)

مضارع اخباری: آویزد - نه بینی - (همان: ۶۷) گویم - (همان: ۶۸) - گوید - نه ارزد - همی داری - همی کنی - (همان: ۶۹) نخواهم - (همان: ۷۲) - همی گویم - (همان: ۷۳) - می نماید - همی گویم - (همان: ۷۴)

بررسی سبک بیرونی قابوس نامه... ۲۸۹۱۱۱

مضارع مستمر: درآمده باشد

آینده: خواهد بود (همان: ۶۸)

ساختارهای فعل امر

امر با پیشوند باء: بدان (همان: ۶۷) - پرهیز (همان: ۶۸) - بنییس - بخواه (همان: ۶۹)

امر بدون پیشوند باء: مباش (همان: ۶۸)

فعل امر مرکب بدون پیشوند باء: جهد کن - حاصل نشود - نگاه دار - پرهیز کن (همان: ۶۹)

فعل نهی

جدا نوشته شدن پیشوند نهی از فعل: نه بینی (همان: ۶۷) - نه باشد - نه ارزد

فعل از نظر ساختمان

مرکب: خواهد بود - رفته است - نتوانند کردن - ممکن نگردد - پسند اوفتاد

مجهول ماضی استمراری: کرده باشد (همان: ۶۸)

بر سر مضارع ساده: بینی (همان: ۶۹)

تکرار فعل

بود ۲۴ بار - نشود ۳ بار - هستی ۲ بار - است ۱۱ بار - باشد ۶ بار - باشی ۵ بار - نباشی ۲ بار - شود ۶ بار -

باشد ۱۰ بار - کنی ۵ بار - گردد ۲ بار - نبود ۲ بار - دیدی ۴ بار - آمد ۲ بار - دارم ۲ بار - بدان ۲ بار -

جهد کن ۳ بار - باید ۴ بار - گفت ۷ بار - رفت ۲ بار - باشم ۲ بار - ندانست ۲ بار - برآمد ۲ بار - نشوی ۲ بار -

نباشد ۳ بار - گفتند ۴ بار - روی ۲ بار - هست ۲ بار -

حذف فعل

حذف فعل به قرینه لفظی: «از آنچه مردم یا در وصال باشد یا در فراق» -

«که سرتاسر عاشقی رنجستو درد دل و محنت» (همان: ۶۸) «پیوسته در مساوی تو باشند و در نکوهش

معشوق تو»

اسم:

اقسام جمع

جمع های مکسر: وصال (همان: ۶۹) - مساوی (همان: ۷۰) - تقاسی (همان: ۷۱)

کلمه های مختوم به هاء غیر ملفوظ در جمع با هاء، های غیر ملفوظ حذف می شود

۲۹۰ /// دو ضمیمه مطالعات نقد ادبی / سال بیست و دوم، بهار و تابستان ۱۴۰۳ شماره پنجاه و ششم

جمع اسم معنی با «ان»: جوانان-پیران-(همان: ۷۰) روحان-خردمندان-خلقان-بیخودان-(همان: ۷۰) مردمان(همان: ۷۲)-جامه داران-بیگانگان-(همان: ۷۳)

حاصل مصدر:

حاصل مصدر مفرد: عاشقی-مفلسی-(همان: ۶۸) خوشی-(همان: ۶۹) راحتی-دوستی-(همان: ۷۱) مستی-(همان: ۷۲) دوستی(همان: ۷۳)-

حاصل مصدر مرکب: دشوار کاری-دستار داری-نگاه داشت-(همان: ۷۲)

اسم مصدر:

بن مضارع+ش: نکوهش-

بن ماضی+ار: دیدار-(همان: ۷۰)

مصدر مرکب: بار گران کشیدن-سفر دراز کردن-در رنج داشتن-

مصدر مرکب(اسم+مصدر): تمتع کردن-(همان: ۷۱) عشق باختن(همان: ۷۲)-عیب کردن-عیب جستن-(همان: ۷۳)

مصدر مرکب(اسم+میانوند+مصدر): روزه داشتن(همان: ۷۱)-دستار دار(همان: ۷۲)

اسم مرکب:

اسم مرکب(پیشوند+اسم): ناگزیر(همان: ۷۱)

اسم مرکب(اسم+پیشوند): دستار(همان: ۷۲)

اسم مرکب(اسم+اسم مصدر): عشق باختن-(همان: ۶۹)

اسم مرکب آلت(اسم+بن مضارع): نگاه دار(همان: ۷۰)-جامه دار(همان: ۷۲)

تقدیم صفت بر موصوف: لطیف طبع-غلیظ طبع-گران جان-(همان: ۶۸) دشوار کاری(همان: ۷۲)

صفت تفضیلی: لطیفتر-بیشتر-(همان: ۶۸) بتر(همان: ۶۹)-غالبتر(همان: ۶۹)-آسان تر(همان: ۷۲)-
نیکوتر(همان: ۷۴)-

صفت مرکب(صفت+اسم): «تا کسی لطیف طبع نبود عاشق نشود.»-«هیچ غلیظ طبع و گران جان عاشق نشود.»-(همان: ۶۷) «این علتی است که خفیف روحان را بیشتر افتد.»-«تو معین دل خود مباش.»-(همان: ۶۸)

صفت مرکب(اسم+اسم) «ناچاره در طبع لطیف آویزد.»-(همان: ۶۷)

صفت فاعلی مرکب: سوزنده «بن مضارع + نده» - (همان: ۶۸)

حروف:

معانی و کاربرد های حرف «را»:

نشانه مفعول بی واسطه: «پس خوشتن را نگاه دار.» - «یک بار دیگر او را ببینی.» - (همان: ۶۸) «چون دل تقاضا کند، خرد را بر دل موکل کنی.» - (همان: ۶۹) «خویشتن را از بلا بتوانی رهانیدن.» - «مردی باید که این علت را مداوا تواند کردن.» - «دایم خویشتن را در رنج داشتن.» - «اگر کسی را دوست داری.» - (همان: ۷۰) «کسی باید فرستادن تا آن غلام بخرد.» - «نخاس را بفرستاد.» - «آن غلام را به هزارو دویست دینار بخرید.» - «این غلام را آزاد کن.» - (همان: ۷۱) «سلطان مسعود ویرا دوست داشت.» - «سلطان مسعود کرا دوست دارد؟» - (همان: ۷۲) «کسی را دوست دار.» - «معشوق را با خویشتن مبر.» - (همان: ۷۳) «هر زمانی ویرا مخوان.» - (همان: ۷۴)

را فک اضافه: «آدمی را از چهار چیز ناگزیر بود.» (همان: ۷۰) - «مرا بعد هفتاد سال بنگاه داشت بندگان خدا مشغول باید بودن.» (همان: ۷۲)

را در معنی «برای»: «این علتی است که خفیف روحان را بیشتر افتد.» - «پیر را جز بسیم غرض حاصل نشود.» - «اگر باتفاق وقتی بروزگار با کسی وقت خوش گردد.» - (همان: ۶۸) «ترا از دیدار و خدمت او راحتی بود.» - «در عاشقی کس را وقت خوش نه بود.» - (همان: ۶۹) «پیر را هیچ عذری نباشد.» - «پادشاه را به پیران سر عشق باختن دشوار کاری بود.» - (همان: ۷۲) «اگر ترا اتفاق عشق اوفتد.» - «باید که حلاوتی و ملاحتی باشد ویرا.» - «مردم را از عیب کردن و عیب جستن یک دگر چاره نباشد.» - «که خود ویرا کسی بتواند خوردن.» (همان: ۷۳)

را در معنی «به»: «طبع را عشق باختن میاموز.» - (همان: ۶۸) «چون دل را پسند افتد.» (همان: ۶۹) - «این غلام را دستار داری داد.» - «ابو العباس غانمی را گفت.» - «فلان ده ویرا بخشیدم.» - (همان: ۷۱) «اگر رای خداوند اقتضا کند بنده را بگوید که مقصود چیست؟» - «هر عطائی که بدادی همه چنام دادی که نوشتگین را.» - «هرچه در من ایاز را فرموده بود.» - «جمله نوشتگین نوبی را منشور نیسند.» - (همان: ۷۲)

«چنانکه یکی را گفتند.» - (همان: ۷۳) «هرزمانی ویرا میوه مده.» - (همان: ۷۴)

را در معنی «از»: «مار را کسی باید فرستادن.» - (همان: ۷۱)

رای تملیک: «فرمان خداوند راست.» (همان: ۷۲)

از در معنی «برای»: «از آنکه عشق از لطافت طبع خیزد.» (همان: ۶۷) - «از آنکه طبع جوانان لطیف تر بود از پیران.» (همان: ۶۸) - «از آنکه ممکن نبود که به یک دیدار کسی عاشق گردد.»
 به در معنی «با»: «از آنکه ممکن نبود که به یک دیدار کسی عاشق گردد.»
 در در معنی «به»: «کار با بلاست خاصه در هنگام مفلسی» (همان: ۶۹)
 حرف ندا: «ای پسر» (همان: ۶۸) - «ای دلکش» (همان: ۷۰)
 حرف ربط: «تا کسی لطیف طبع نبود، عاشق نشود از آنکه عشق از لطافت طبع خیزد» (همان: ۶۷) -
 جوانان بیشتر عاشق شوند از پیران، از آنکه طبع جوانان... - «از عاشقی پرهیز کن که کار عاشقی با بلاست» - «اسیر دل مباش و پیوسته دل را عشق باختن میاموز» - «و اگر وصال باشد که پس از او فراقی خواهد بود.» (همان: ۶۸) - «نخست چشم بیند، آنگاه دلر بیندیشد.» - «اگر شهوت خود را در فرمان دل کنی، دل را متابع شهوت گردانی.» - «اگر بدیدار اول خود را نگاه داری، همه رنج دل یک هفته باشد.» (همان: ۶۹) - «ولیکن دوستی دیگرست و عاشقی دیگر.» - «اگر بجوانی عشق بازی کنی، آخر عذری باشد.» (همان: ۷۰) - «جهد کن که به پیری عاشق نشوی که پیران را عذری نیست.» (همان: ۷۱) - «باید فرستادن تا آن غلام را بخرد.» - «دستار بوی دادی تا دست خشک کردی.» - «در خانه نشیند تا موی بر آرد.» - «زشت باشد که پادشاه عاشق شود.» - «با طریق سیاست باش تا خلل بکار تو راه نیابد.» - «جهد کن تا عاشق نباشی.» - «در وی باشد تا زبان مردم همی بسته باشد.» - «چنان دان که معیوب ترین خلقان تویی.» - «اگر بمهمانی روی، معشوق را با خود مبر و اگر بری، بوی مشغول مباش.» (همان: ۷۲)

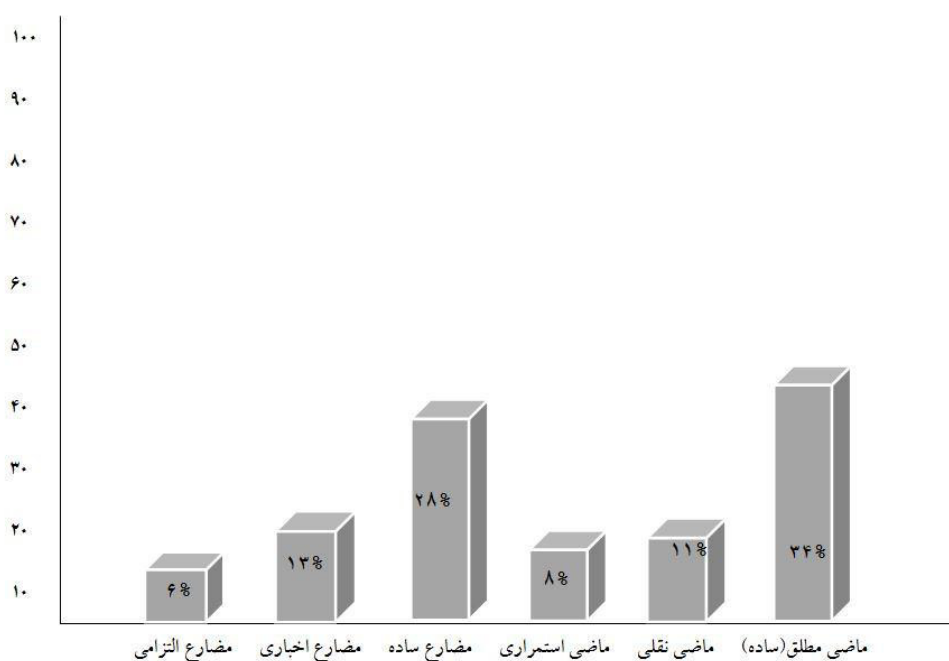
نتایج مقاله

بر اساس بررسی سبک‌شناسی زبانی در قابوس‌نامه، نویسنده با استفاده از سبکی مرسل و ساده، بر سادگی و طبیعی بودن زبان تأکید کرده است که از ویژگی‌های سبک خراسانی همین بیان مطالب با روانی و سادگی واژگان با همراهی جملات کوتاه و فراوانی فعل‌های تکراری و استفاده محدود از استعارات و پرهیز از تصنع است. این سبک به‌طور مؤثر برای بیان اندرزها و محتوای تعلیمی به کار رفته است. همچنین، نویسنده به ویژگی‌های زبانی فارسی دری توجه ویژه‌ای دارد که در تعامل با زبان عربی تغییر یافته‌اند. در نتیجه، قابوس‌نامه نمایانگر دوران تکامل نثر فارسی است که در آن نویسنده با استفاده از زبان ساده و نزدیک به گفتار، مفاهیمی غنی و معانی متنوع را به شیوه‌ای شیوا و تعلیمی

بررسی سبک بیرونی قابوس نامه... ۲۹۳۱۱۱

منتقل کرده است. با تحلیل و بررسی افعال موجود در باب چهاردم قابوس نامه به نتایج آماری زیر دست یافته ایم:

ماضی مطلق (ساده)	ماضی نقلی	ماضی استمراری	مضارع ساده	مضارع اخباری	مضارع التزامی
۳۴ درصد	۱۱ درصد	۸ درصد	۲۸ درصد	۱۳ درصد	۶ درصد



این تحلیل نشان می دهد که نویسنده عمدتاً از ماضی مطلق و مضارع ساده برای انتقال پیام خود استفاده کرده است که این امر با سبک ساده و تعلیمی متن هماهنگ است.

۲۹۴ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال بیست و دوم، بهار و تابستان ۱۴۰۳ شماره پنجاه و ششم

کتابشناسی

الهامی، فاطمه. (۱۳۹۱). جایگاه قابوس نامه در قلمرو ادبیات تعلیمی، ادبیات و زبانها: پژوهشنامه ادبیات تعلیمی.

جانفشان، محمد. (۱۴۰۰). قابوس نامه کتابی بزرگ در آیین زندگی از اعماق قرون و اعصار، ادبیات و زبانها: استارآباد.

جلالت، فرامرز. (۱۴۰۲). همزیستی ادب غنایی و تعلیمی در آینه تحلیل بینامتنی آثار نظامی و قابوس نامه بر اساس نظریه ژارژ ژنت، زبان و ادب فارسی (دانشگاه تبریز).

رجبلو، محمود. (۱۳۹۱). سبک شناسی قابوس نامه، همایش منطقه ای قابوس نامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد گنبد کاووس.

ریپکا، یان. (۱۳۷۰). پژوهشی درباره دگرگونی تاریخی زبان و ادبیات فارسی تاجیکی از زمان باستان تا آغاز سده ۲۰م)، تهران: جاویدان خرد.

زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۳). مروری بر نثر فارسی، سیری در شعر فارسی با نظری بر ادبیات معاصر، تهران: سخن.

شمیسا، سیروس. (۱۳۷۶). انواع ادبی، تهران: فردوس.

همو. (۱۳۸۷). سبک شناسی نثر، تهران: میترا.

صفا، ذبیح الله. (۱۳۸۳). تاریخ ادبیات در ایران، ناشر دیجیتالی مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.

غیاثی، تقی. (۱۳۶۸). درآمدی بر سبک شناسی ساختاری، تهران: شعله اندیشه.

فتوحی، محمود. (۱۳۹۰). نظریه ها، رویکردها و روش ها، تهران: سخن.

فروزانفر، بدیع الزمان. (۱۳۸۳). تاریخ ادبیات ایران (بعد از اسام تا پایان تیموریان)، تهران: زلال.

کامشاد، حسن. (۱۳۸۳). نثر نوین فارسی (پژوهشی در ادبیات داستانی نوین تاریخ نثر و رمان نویسی در ایران از قائم مقام تا صدق هدایت)، تهران: نوین فارسی.

کامشاد، حسن. (۱۳۸۴). پایه گذاران نثر جدید فارسی، تهران: نی.

کشاوری، کریم. (۱۳۷۱). هزار سال نثر پارسی (جلد اول)، تهران: آموزش انقلاب اسلامی.

لوی، روبن. (۱۳۷۸). درآمدی بر تاریخ ادبیات فارسی، تهران: فهرستگان.

معتضد کیانی، خداداد. (۱۴۰۰). سبک شناسی قصه های مشدی گلین خانم، سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب).

بررسی سبک بیرونی قابوس نامه... ۲۹۵۱۱۱

وشمگیر، عنصر المعالی کیکاووس ابن اسکندر. (۱۳۳۵). **قابوس نامه**، تهران: ابن سینا.

یوسفی، غلام حسین. (۱۳۴۶). **معرفی کتاب: قابوس نامه**، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.